

Fire in the art of Iranian painting: Semantics and symbolic dimension of “fire” in Iranian culture

Ali Hariri, Master of Arts Research Department of Higher Art Studies, Faculty of Visual Arts, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran (Corresponding Author)

alihariraa473@gmail.com

Mozafar Ali Chavoshi, Master of Arts Research in Tehran Art University.

ali.chavoshi8956@gmail.com

Abstract

Fire symbolizes various meanings, including transformation, passion, purification, and energy. Artists across cultures have used fire as a powerful metaphor, leveraging its dynamic and unpredictable nature to convey themes of life, creativity, and the cyclical nature of existence. Fire's dual characteristics of destruction and creation make it a rich symbol in traditional artistic expression, offering a versatile and profound representation of human experiences and emotions. This research seeks to answer the fundamental question: how are images and motifs of fire depicted in Iranian miniature painting, and what symbolic role has it played in Iranian culture and art? The specific objectives of this study are to examine the semantics and status of fire in Iranian culture and art (ancient and Islamic periods), analyze the symbols of fire in Iranian miniature art, and identify the various functions and roles of fire in this art form. Therefore, this article aims to explore, using a descriptive-analytical method and drawing from documentary and library sources, fire in ancient beliefs, fire in ancient and Islamic Iran, light and fire, the status of fire in Iranian culture, and the depiction of fire in Iranian miniature painting. The findings indicate that in ancient Iranian art, fire is often associated with Zoroastrianism. Additionally, fire symbolizes enlightenment, wisdom, and the eternal struggle between good and evil in Iranian artistic expression. In the Islamic period, the fire symbol in Iranian miniature art retained its significance and intertwined with Islamic concepts. In Islamic miniature art, fire appears as a symbol of light, inspiration, and connection to the spiritual world, represented in flaming scenes in religious and spiritual contexts. In Iranian mystical literature, fire has also been used as a symbol of love, knowledge, and spirituality. Ultimately, it is concluded that Iranian miniaturists, throughout different eras, have been aware of the distinction between divine light fire and burning fire, depicting it through the differentiation of form and color in various types of fire. While its theoretical foundations may have dissolved into history, its impact has persisted as a tradition in Iranian-Islamic visual culture. Thus, the symbol of fire in Iranian miniature art during the Islamic period has continued to be present and merged with Islamic concepts, reflecting the spiritual and mystical dimension of this element.

Keywords

Keywords: Fire, Ancient Iran, Flame, Miniature Painting, Symbol.



۱۲۵

سال دوم، مسلسل ۳
شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آتش در هنر نگارگری ایرانی: معناشناسی و بعد نمادین «آتش» در فرهنگ ایرانی

علی حریری^۱، مظفرعلی چاوشی^۲

چکیده

نماد آتش مظهری از معانی مختلف است. از جمله این معانی دگرگونی، اشتیاق، پاک‌سازی و انرژی است. هنرمندان در سراسر فرهنگ‌ها از آتش به‌عنوان یک استعاره قدرتمند استفاده می‌کنند. این افراد ماهیت پویا و غیرقابل پیش‌بینی آن را برای انتقال مضامین زندگی، خلاقیت و ماهیت چرخه‌ای هستی به تصویر می‌کشند. ویژگی‌های دوگانه آتش که هم قادر به تخریب و هم خلقت است، آن را به نمادی غنی در بیان هنری سنتی تبدیل می‌کند که نمایشی همه‌کاره و عمیق از تجربیات و احساسات انسانی ارائه می‌دهد. لذا این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به پرسش اساسی است که: چگونه تصاویر و نقوش آتش در نگارگری ایرانی بازنمایی شده است؟ و چه نقش نمادینی در فرهنگ و هنر ایران داشته است؟ اهداف این پژوهش به‌طور خاص، عبارت‌اند از: بررسی معناشناسی و جایگاه آتش در فرهنگ و هنر ایرانی (دوران باستان و دوران اسلامی)، تحلیل نمادهای آتش در هنر نگارگری ایرانی، شناسایی کارکردها و نقش‌های مختلف آتش در هنر نگارگری ایرانی. لذا این مقاله درصدد است تا با شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی آتش در باورهای کهن، آتش در ایران باستان و دوره اسلامی، نور و آتش، جایگاه آتش در فرهنگ ایران و نیز چگونگی ترسیم آتش در نگارگری ایران بپردازد. نتایج حاکی از آن است که در هنر ایران باستان آتش اغلب با دین زرتشتی، مرتبط است. علاوه بر این، آتش نماد روشنگری، خرد و مبارزه ابدی خیر و شر در بیان هنری ایرانی است. در دوران اسلامی، نماد آتش در هنر نگارگری ایرانی همچنان جایگاه مهمی داشته و با مفاهیم اسلامی درهم‌تنیده شده است. در هنر نگارگری اسلامی، آتش به‌عنوان نماد روشنایی، الهام و ارتباط با جهان معنوی ظاهر می‌شود و به‌مانند شعله‌های آتشین در صحنه‌های مذهبی و دینی به‌کاررفته است. در ادبیات عرفانی ایرانی نیز، آتش به‌عنوان نماد عشق، معرفت و معنویت مورد استفاده قرار گرفته است. در نهایت چنین نتیجه می‌شود که نگارگر ایرانی، در اعصار گوناگون از تمایز میان آتش نور الهی و آتش سوزاننده مطلع بوده است و آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Alihariraa473@gmail.com

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر تهران، تهران، ایران.

Ali.chavoshi8956@gmail.com

را در تمایز میان فرم و رنگ انواع آتش به تصویر کشیده است. هرچند که ممکن است، مبانی نظری آن در دل تاریخ حل شده باشد، اما تأثیر آن، همواره به صورت یک سنت، در فرهنگ تصویرسازی ایرانی - اسلامی باقی مانده است؛ بنابراین، نماد آتش در هنر نگارگری ایرانی در دوران اسلامی همچنان حضور داشته و با مفاهیم اسلامی تلفیق شده است و بیانگر بعد معنوی و عرفانی این عنصر است.

واژگان کلیدی

آتش، ایران باستان، شعله، نگارگری، نماد.



مقدمه

آتش به عنوان یکی از چهار عنصر اصلی طبیعت (آب، خاک، باد و آتش)، همواره در فرهنگ و تمدن ایرانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. این عنصر طبیعی که از دیرباز در اعتقادات و باورهای ایرانیان مقدس شمرده می‌شده، در طول تاریخ ایران، به ویژه در دوران باستان و دوران اسلامی، نقش‌های گوناگونی را ایفا کرده و معانی مختلفی را به خود اختصاص داده است. در حوزه هنر نگارگری ایرانی، آتش به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادها و عناصر تصویری مورد استفاده قرار گرفته است. این عنصر طبیعی، در نگاره‌های ایرانی، پیوندی عمیق با مفاهیم معنوی، مذهبی و نمادین داشته و به شکل‌های متنوعی در آثار ظاهر شده است. از هاله‌های دایره‌سان روشن گرفته تا شعله‌های زبانه کشیده و مقدس، آتش همواره به عنوان نماد روشنایی، پاکی، معرفت و ارتباط با جهان معنوی مطرح بوده است. فراتر از این، آتش در هنر نگارگری ایرانی، در طول دوران مختلف تاریخی، به ویژه در دوران باستان و دوران اسلامی، دارای ابعاد نمادین متفاوتی بوده است. در دوران باستان، آتش عموماً نماد خورشید، قدرت و حاکمیت بوده، اما در دوران اسلامی، این نماد با تفسیرهای عرفانی و اسلامی همراه شده و به عنوان نماد روشنایی، معرفت و عشق الهی مطرح گشته است. همچنین، در آیین‌های مذهبی اسلامی، آتش به عنوان نماد پاکی و تطهیر نیز به کار رفته است. در این مقاله، با بررسی معناشناسی و ابعاد نمادین آتش در فرهنگ و هنر ایرانی، به ویژه در حوزه نگارگری، به نقش و جایگاه این عنصر طبیعی در آثار هنری و نمادین ایرانیان خواهیم پرداخت و به مهم‌ترین کارکردها و نمادپردازی‌های آن در هنر نگارگری ایرانی اشاره خواهیم کرد.

پیشینه پژوهش

در باب وجه نمادین آتش، جایگاه و معناشناسی آن در آیین‌ها، مذاهب و همچنین فرهنگ و هنر ایران زمین تحقیقات بسیاری توسط پژوهشگران انجام شده است. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر می‌توان به مقاله اسماعیل فروزان‌کیا و ابراهیم استاجی تحت عنوان «تجلی آتش در اساطیر و ادیان» (۱۳۸۹) اشاره کرد. این نویسندگان، از پیشینه آتش به عنوان یکی از عناصر چهارگانه در ادیان مختلف و اسطوره‌ها یاد می‌کنند. در تحقیقی دیگر، با عنوان «چند سویگی معنائی آتش در معراج نامه تیموری» (۱۳۹۲)، به نویسندگی علی عباسی مراتب مختلف آتش مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجاکه در این معراج نامه، شعله‌های آتشین بسیاری در نمادهای مختلف وجود دارد، بنابراین به کشف معناهای آن می‌پردازد. مقاله مذکور به مطالعه مفاهیم مختلف آتش و چگونگی تغییر کارکرد معنایی آن در این معراج نامه نیز توجه داشته است و سعی دارد علاوه بر بررسی پیوند نور و نار در این نسخه، مراتب مختلف آتش در آن را نیز با بینش اسلام

نگارگر تیموری مطابقت دهد. همچنین مقاله‌ای با عنوان بررسی عناصر چهارگانه آب، باد خاک و آتش در شعر عنصری (۱۳۹۷)، به تحریر سهراب سعیدی اشاره داشت. این تحقیق، مربوط به رشته ادبیات فارسی است؛ بدین گونه در ابتدا عناصر اربعه (چهارعنصر آب، باد، خاک و آتش) را در اساطیر و ایران باستان مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به جایگاه این عناصر در ادبیات فارسی کهن ایرانی می‌پردازد. با توجه به مطالعه پیشینه‌های موضوع انجام‌گرفته می‌توان گفت، وجه تمایز این پژوهش در نوع رویکرد نمادپردازانه و نوع تقسیم‌بندی نمادهای آتش در نگاره‌های برجای مانده از نسخ ایرانی است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است. این روش شامل مطالعات توصیفی است که از طریق جمع‌آوری اطلاعات و مستندات مربوط به نقش و جایگاه آتش در هنر و فرهنگ ایران (باستان و دوره اسلامی) از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تصویری و توصیف دقیق و مبسوط ویژگی‌ها و نمادهای آتش در آثار نگارگری ایرانی به دست می‌آید. همچنین مطالعات تحلیلی این پژوهش شامل تجزیه و تحلیل محتوایی نمادها و معانی نهفته در تصاویر آتش در آثار نگارگری، تحلیل تطبیقی برای درک تحول مفهوم و نمادپردازی آتش در طول تاریخ هنر ایران و تفسیر و استخراج ابعاد نمادین و معناشناختی آتش در هنر نگارگری است بنابراین، روش تحقیق این پژوهش ترکیبی از مطالعات توصیفی و تحلیلی است تا بتواند به فهم عمیق‌تر و جامع‌تری از نقش نماد آتش در هنر نگارگری ایرانی دست یابد.

معنای نمادین آتش

همه خصایص آتش دوگانه است. «شارل گیوم شیله»^۱، به سال (۱۷۸۱ م) در کتاب «رساله در شیمی هوا و آتش»، از دشواری‌های بی‌شماری که در پژوهش، با آن‌ها روبروست و وی نتوانسته درباره‌ی خواص حقیقی آتش، بیش از آنچه معلوم و دانسته است، شناختی به دست آورد، سخن می‌گوید (عابد دوست، ۱۳۹۳). «محمد بن محمود بن احمد طوسی»^۲ در کتاب خود «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»^۳ می‌نویسد: «بدان که آتش همه عالم را فراگرفته است و هیچ سنگی و چوبی از آتش خالی نیست. گر جاهلی چوبی بردارد گوید آتش کجاست گوییم: طریق استخراج هر چیزی ظاهر است؛ چنانکه دو چوب را بر هم زنند، آتش ظاهر گردد یا سنگ بر آهن زنند [...] پس آتش در جزءها پنهان است؛ چنانکه عسل در شکم زنبور» (طوسی سلمان، ۱۳۴۵).

آتش زیاست. اگر به درستی حفظ و نگاهداری و مهار شود، محرک تولیدمثل است و بخشاینده نیرو؛ جوانی را بازمی‌گرداند و می‌زاید و مولد است. مثال این

نگرش وجود ققنوس در باورهای کهن اساطیری است. از طرفی، آتش پاک‌کننده و زداینده نیز هست و همه چیزهای بد و شوم را نابود می‌کند. درنهایت، آنچه کششی رمزآمیز و فطری میان انسان و منابع نور و آتش برقرار می‌کند، همان خصوصیات نیمه مادی و نیمه معنوی و انرژی بخشی آتش است. انسانی که همواره دغدغه جاودانگی و پیوستن به ابدیت را دارد، می‌داند که باید به پاکی روح و سرشت دست یابد تا آن مهم نیز ممکن شود و در این راه در میان چهارعنصر طبیعت تنها آتش را دارای قدرت جادویی می‌یابد. آب پاک‌کننده جسم و آتش تطهیرکننده روح تلقی می‌شود؛ انسانی که در دوران کهن با پرستش خورشید و نکوداشت، آتش، به دنبال رهایی روح و رسیدن به الوهیت بود، امروزه در غسل تعمید^۴ با آب آن را باز می‌جوید.

«این سنت را یحیی معمدان^۵، پایه گذاشت؛ اما انجیل، انسان را وعده می‌دهد که من شما را با آب تعمید می‌دهم؛ ولی خواهد آمد آن بزرگ‌تر از من که شما را با آتش روح‌القدس، تعمید خواهد داد» (انجیل، مرقس آیه ۸). این چنین آتش قدرتی فرای دیگر عناصر دارد و آن چیز را که دیگر آب توان پاک‌کنندگی آن را ندارد، آتش تطهیر خواهد کرد. «در تمامی کتب دینی وعده داده شده که در آخرالزمان آتش در زمین روان می‌شود و همه چیز را فرامی‌گیرد؛ چراکه تنها آتش است که قدرت آن را دارد که همه چیز را پاک کند و چون گوهر اولیه درخشان سازد» (نیک‌خواه و پورمند، ۱۳۹۰).

آتش، نمادی که در هنرهای سنتی به عنوان پرچم‌دار تجدد و انرژی، در قالب رقصانده‌ها، مراسم دینی و نمایش‌های هنری به تداوم زندگی و امید نشان داده می‌شود. نقاشان، نوازندگان و هنرمندان، با ابتکارهای خلاقانه خود، آتش را به عنوان نمادی از ابتکار، شور و تجسم زندگی به تصویر می‌کشند. این متن درگیر با تعبیرهای متنوع هنرهای سنتی از آتش و نقش آن در ایجاد ارتباط عمیق با انسان و جهان است. قدیمیان معتقد بودند جهان از چهارعنصر تشکیل شده است؛ آتش، آب بادو خاک؛ باین وجود، براساس نظریات فلسفی، در طبیعت تنها، سه آخشیح^۶ وجود دارد: زمین (خاک و هوا (باد)) و آب به اعتقاد «هیروسم کاردانوس»^۷: «آتش، اصل نیست؛ بلکه عنصری است وابسته به سه عنصر دیگر و از آسمان آمده است. به عقیده وی، طبیعت گرمایی به غایت معتدل، در آسمان به جای نهاده است که همه چیز از آن زاده می‌شود. [...] بنابراین آتش که چنین پدیدآمده، عنصر نیست» (پیر بایار، ۱۳۹۶).

در اعتقادات یهود نیز، عنصر زمین (خاک) حذف شده ولی آتش باقی و محفوظ مانده است؛ بدین‌گونه، آتش جا و مقام بس ممتاز و شامخی پیدا کرد و رفته‌رفته کیفیتی مینویی و آسمانی یافت؛ چراکه آتش نور و گرمابخشی همواره در حیات معنوی تمدن‌ها وجود داشته‌اند. آتش نماد پاکی است، گاهی در برخی

از آثار هنری و مذهبی به جای هاله‌مدور نورانی از شعله‌های آتش در اطراف سر یا پیکره افراد مقدس استفاده می‌شود که در بردارنده معنایی یکسان و مفهومی مشابه هستند. آتش را می‌توان یکی از چهار عنصر پایه موجود در طبیعت شمرد. «ارسطو^۱ و اکثر حکما از زمین (خاک)، هوا (باد)، آب و آتش سخن گفته‌اند. آتش دارای جایگاهی شاخص‌تر است؛ چون سه عنصر دیگر به زمین نزدیک‌تر هستند» (پیر بایار، ۱۳۹۶: ۲۰).

همچنین آتش زنده‌ترین عنصر موجود در طبیعت است؛ چون در مقایسه با دیگر عناصر، فعال‌ترین و پویاترین آن‌ها محسوب می‌شود. آتش در آئین زردشت نماینده راستی نیز است. تمام دروغ را می‌سوزاند و باعث تجلی باشکوه احق می‌شود. در واقع می‌توان گفت که آتش جلوه برون‌ذاتی راستی، درستی و جلوه درون‌ذاتی خود است. آتش دارای خصلتی روحانی نیز است؛ روشنی می‌بخشد؛ درخشان و فروزان است و نقش رهبر و راهنما را نیز ایفا می‌نماید. روشنایی آن خصلت تقدس و وسیله اشراق است. در عین حال موجب تطهیر و تصفیه نیز است. آتش عناصر را تفکیک و ترکیب می‌کند، جسم ناقص را به کمال می‌رساند و از صافی می‌گذراند، انسان به برکت این استحاله و به حکم قانون تکامل، ارتقا و اعتلا می‌یابد و به عالم مینوی عروج می‌کند.

«برخی از عارفان ایرانی معتقدند، خاک غلیظ و آتش از هوا لطیف‌تر؛ هرکدام لطیف‌تر است، مکان وی در عالم بالاتر، نفوذ وی زیاد، مشمول و احاطه وی بیشتر است» (نسفی، ۱۳۹۲: ۳۷۷). پس آتش از هوا بالاتر است؛ چراکه رو به سوی اعلا و مقامی رفیع‌تر دارد. «نجم‌الدین کبری»^۲ نیز وجهی دیگر را مطرح نظر قرار داده است. وی عروج انسان کامل و نورانی را در باز پیوستن دو نور آتشین که یکی از آسمان می‌آید و دیگری از فرد زمینی برمی‌خیزد، بیان می‌دارد. در بسیاری از ادیان، آتش تجلی نور خداست. در دین زردشت، آتش نماد اهورامزدا و کانون عبادت‌های روزانه است. واقعاً چه چیزی می‌تواند بیش از یک شعله پاک بی‌آلایش نماینده طبیعی و والای خدا باشد که خود نور جاودانی است.

والایی آتش چنان بوده که آن را برآمده از اورمزد^۳ و یکی از ایزدان انگاشته‌اند. آتش، منشأ مفهوم‌سازی‌های متنوع و در بسیاری موارد، متضاد با متباین می‌باشد. آتش نماد تعالی نیکی، ارتقا، کمال، مظهر خشم، شهرت، سرکشی عصیان و نیز بالاگرایی چالاک‌نشاط‌آوری چندگونگی، جاندارنمایی، مهابت قدرت تخریب‌ناآرامی طغیانگری سرکشی و سوزاندگی می‌باشد. در سیر اندیشه عرفانی-فلسفی ایران، در حکمت اشراق نیز آتش اهمیت نمادین و ویژه‌ای دارد؛ در حقیقت وجود نور مؤثر است. شرافت منصب خلافت در عالم قدس به نور اسپهبدی انسان و در عالم عناصر به آتش محسوس، اختصاص یافته و نورالانور ذات حق تعالی است. در قرآن کریم نیز گاه تصاویر متعالی از آتش به چشم می‌خورد که از جمله

می‌توان به میقات حضرت موسی (ع) با حضرت حق اشاره کرد (سوره طه، آیه ۱۰). در این واقعه به نوعی آتش وسیله تجلی خداوند بر موسی است. قرآن آمده است که آفرینش ابلیس و جنّ از آتش بوده است. برخی از مفسران این استدلال را بررسی کرده‌اند و دلایل چندی آورده‌اند که برخلاف ادعای ابلیس، خاک برتر از آتش است. گفته‌اند در خاک استعدادهایی است که در آتش نیست. همچنین در قرآن مجید آمده است که معجزه برخی از پیامبران این بود که آتشی به گونه خارق عادت پدیدار می‌شد و قربانی را که برای تقدیم به پیشگاه خدا فراهم آورده بودند، می‌سوزاند. یهودیان از پیامبر اسلام نیز چنین معجزه‌ای خواستار شدند و قرآن به آنان پاسخ داد که شما این معجزه را از برخی پیامبران پیشین خواستید و آن‌ها آن را آوردند، ولی به آن باور نیاوردید (آل عمران، ۱۸۳). در قرآن و حدیث واژه آتش (نار)، بیش از هر مورد دیگر در مورد عذاب آخرت به کار رفته است. در این کتاب‌ها آتش وسیله عذاب جسمانی اصلی کافران، مشرکان و گناهکاران در سرای دیگر است. برخی از اینان در آتش جاودان خواهند بود و برخی دیگر تنها مدت معینی عذاب آن را خواهند چشید. تعبیرات قرآن در این باره متفاوت است (فخر رازی، ۲۳۲). در پاره‌ای از موارد تعبیر «عذاب النار» به کار رفته، در موارد دیگری تعبیر «نار جهنم» آمده و در موارد بسیار از این آتش اخروی با دو اصطلاح معروف «جهنم» و «جحیم» تعبیر شده است (میبیدی، ۱۳۵۷: ۳۷۴).

آتش در باورهای کهن

همان‌گونه که مدنیت با کشاورزی آغاز شد، صناعت نیز با معجزه کشف آتش ممکن گشت. شعله‌های شکل شده [در] دور خورشید، در سنگ‌نگاره‌های غاری عصر دیرینه‌سنگی و تکرار این نقش در دوره‌های بعد دلیلی بر خورشیدپرستی است. نور و آتش به تدریج در دوره‌های تمدن پا به عرصه زندگی معنوی مردمان گذاشتند و [...] اسطوره‌های ملل جدید را پایه‌ریزی نمودند.

خدای شَمَش، در تمدن بین‌النهرین، خورشید، خدای مصر (بعدها در رع^{۱۱} خپری^{۱۲} و آتوم^{۱۳} تجلی کرد)، پنج خورشید، خدای ریگ و دای هندی^{۱۴}، سپس آگنی^{۱۵} و نمادپردازی رقص شیوا نمونه‌هایی از حضور همیشگی تقدس و نگاه رمزآلود به عنصر گرما و آتش در تفکرهای کهن است. خورشید و ماه از طریق تصاویر ایرانی و یونانی خورشید. خدایان به تمدن روم رسید و کم‌کم در دین مسیح رسوخ کرد و عیسی (ع) به عنوان خورشید درستکاری شهرت یافت (دادور و منصور، ۱۳۸۵).

آتش در ایران باستان

وجود آتشکده‌های متعدد در ایران باستان، خبر از جایگاه رفیع آتش و تقدس آن در آموزه‌های دینی، همچنین تفکر ایرانی می‌دهد. این تقدس آتش به دوران هندواروپایی بازمی‌گردد. آتش یا آذر در فارسی میانه (ataxs یا azar) و در اوستا

(atar) نامیده می‌شود. وی ایزدی است که او را پسر اورمزد به شمار آورده‌اند و آتش روشن نشانه مرئی حضور هرمزد^{۱۶} است. طبق بندهش هفتمین و آخرین آفریده مادی، آتش است که درخشش از روشنی بیکران نشان‌دهنده جایگاه هرمزد است (هینلز، ۱۳۷۱).

در تفکر انسان شرقی، آتش دوست برادر و نزدیک‌ترین خویشاوند بشر است؛ آتش موجودات پلید را می‌راند و حیوانات درنده را شبانگاه از حمله به مأوای مردمان بازمی‌دارد. از دیگر علل سودمندی آتش، نقش این عنصر به عنوان پیک خدایان نزد مردمان است؛ چراکه آتش نفقه و قربانی‌های جهانیان را نزد خدایان می‌برد.

در آیین زرتشتی، آتش مرکزیت دارد؛ حضور سه گروه آتش مقدس آیینی، پنج نوع آتش مینوی و سه آتشکده بزرگ اساطیری نشان از تقدس و نگاه الوهی به عنصر آتش است. در دین کنونی زرتشتی، آتش چنان مقدس است که نه نور خورشید باید بر آن بیفتد و نه چشم کافری آن را ببیند. در آیین زرتشتی زندگی پس از مرگ نیز با حضور آتش آمیخته است. آذرفرنبغ^{۱۷} به صورت آتشی روشنگر، تاریکی را از بین می‌برد و روان مرده را از پل چینود^{۱۸}، به سلامتی عبور می‌دهد. از نظر امشاسپندان^{۱۹}، اردیبهشت حافظ آتش است. آتش از نظر جنسیت مذکر است. براساس بندهش^{۲۰} در پایان سه هزاره دوم، اهریمن به آفرینش هرمزدی [تازید] و آتش را به دود و مه سوزندگی [آلایید] چنان که آن نبرد بزرگ در آغاز با بارش باران و آب و باد بود. این نبرد نهایی با تابش و تف و گرمای آتش و باد آتش افزای است.

با توجه به مطالبی که گفته شد، بدیهی است آتشی که این چنین پررمزوراز است در طول زمان، انگاره‌ای عارفانه به خود بگیرد و دربردارنده اسراری شود که قدرت رساندن انسان به معبود ازلی خویش را دارد؛ معبودی که روشنایی و نور مطلق است. اگرچه آیین‌های مرتبط با آتش درگذر تاریخ دچار تحول شد؛ اما ارتباط میان، نور، روشنایی آتش و گرما همچنان باقی ماند و بی‌شک شناخت هرچه بهتر این مفاهیم، باعث درک صحیح‌تر و عمیق‌تر از مضامین آتش و تجلیات باورهای به آن در هنرهای شکلی خواهد شد.

نور و آتش

شکل و نماد آتش در تمامی تمدن‌ها، بیان‌کننده معانی رمزآلودی هستند که دربردارنده عقاید سنت‌ها و کارکردهای فراطبیعت نور و آتش در فرهنگ‌های گوناگون هستند. این تصاویر بنا به ماهیت سبک‌شناسانه و کاربردی، خود اشکال متنوعی را شامل می‌شوند؛ مثلاً انرژی و گدازندگی آتش غالباً با اشکال دندانه‌دار و پیچان شکل می‌شود. هرچند که گستره معانی رمزی آتش در تصاویر به جای مانده از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، بسیار وسیع و دامنه‌دار است؛ اما در این میان دو کارکرد متفاوت ولی مشترک، اهمیت بیشتری دارد.

از شکل آتش به عنوان جانشینی برای بیان شکلی الوهیت و تقدس استفاده شده

و یا به عنوان عنصری سوزاننده و گدازنده، مثلاً در تصاویر دوزخ به کاررفته است. ظهور الوهیت به شکل آتش در هنرهای بصری، ریشه اعتقادات مذهبی و دینی دارد؛ به روایت تورات^{۲۱}، «در کوه طور^{۲۲} نور خدا به صورت آتشی بر موسی (ع) تجلی می‌کند آتشی که شعله‌ور است اما نمی‌سوزد» (خروج، ۳: ۳-۲). «ابلیس نیز، هنگامی که بر حضرت آدم (ع) سجده نمی‌کند به آفرینش خود از آتش استدلال می‌کند» (اعراف، ۱۱-۱۳)، «آتشی که خداوند از آن، جنیان را خلق کرد و در قرآن این آتش رخشنده شعله آتش است» (الرحمن، ۱۵).

جایگاه آتش در فرهنگ ایران باستان

نکوداشت و نیایش آتش از دوران باستان در ایران رواج داشته است. «آریایی‌ها معتقد بودند آتش، جوهر هستی، زندگی و اساس آن است. همچنین تصور می‌کردند میان روح نیاکان ایشان و آتش، ارتباط و نزدیکی وجود دارد» (عقیقی، ۱۳۷۴: ۴۰۵-۴۰۶). علت این که آتش پرستی و نیاپرستی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند، نیز همین موضوع است. پرستش آذر از رسوم و آداب بسیار قدیم ایرانیان است؛ چراکه دارای اهمیت خاصی بوده و آن را با تشریفات و مناسکی همانند آنچه آریایی‌ها در هند به آن «عنصر فروزان» می‌گفته‌اند، شبیه می‌دانند. در آیین و دایی خدای آتش «اگنی»^{۲۳} نام دارد. در آداب ایرانیان، نامی از این خدا برده شده است (عقیقی، ۱۳۷۴: ۴۰۵-۴۰۶).

در دین میترا، آتش از نیرویی پاک‌کننده برخوردار است. آتش شیر را که از صفات میترا است، با میترا و خورشید مرتبط می‌سازد و اینان با ارباب خورشید ارتباط می‌یابند (ورمازرن، ۱۳۹۰: ۲۵). زردشت به آتش جنبه اخلاقی و معنوی داد و آن را علامت و نشانه زنده‌ای از پاکی و طهارت دانست. در نظر زرتشتیان توجه آنان به آتش دلیل بر آتش پرستی نیست؛ بلکه نظیر توجه مسلمین به قبله و احترام مسیحیان به صلیب است (باشلار، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

در آیین مزدیسنا، آتش نماد فروغ و روشنایی بی‌پایان و جاودانه است و فروغ آتش، جلوه‌ای از فروغ اهورامزدا است و همه روشنایی‌ها از پرتو خورشید تا ماه و اختران و چراغ همه درخور بزرگداشت و ارج نهادن هستند؛ چون پرتوی از کانون فروغ بی‌کرانه هستند (بختورتاش، ۱۳۹۱: ۱۷۴).



شکل ۱. سنگ حک شده با طرح ایزد آتش بر روی آتشدان، کتابخانه ملی، پاریس.

مانویان سرچشمه هستی را میترا با مهر (نورالانوار) یا به گفته عامیانه روشنان روشن می دانستند. میترا با مهر جزء سرچشمه زندگی مادی و از دیدگاه جهان بینی و فرهنگ باستانی ایران سرچشمه فروغ و مهر مینوی نیز هست. از زمان مادها در نزدیکی هرسین نقشی به جا مانده‌ل است که یک ایرانی را در برابر آتش به شکل کشیده است. از دوره هخامنشیان نیز نقش های برجسته باقی مانده است. بدین صورت که شاه را در برابر قربانگاهی که در آن آتش مقدس مشتعل است، نشان می دهد. در این نقش ونگار، وی مشغول مراسم بخشش و فدیة است و بالای سر او قرص بالدار دیده می شود. در دوره ساسانیان هم نقش آتشدان یکی از نقوش ملی شد که بر سکه های پادشاهان این سلسله نیز نقش گردید (معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ۲۷۹)، (شکل ۲).



شکل ۲. سکه دوره ساسانی با نقش آتشدان، (پوپ، ۱۳۸۰، ۲۵۴).

جایگاه آتش در فرهنگ دوره اسلامی

از منظر دین اسلام و قرآن کریم، آتش نقش و جایگاه مهمی دارد که مفهوم آن در چهار دسته به شرح زیر به کاررفته است. دسته اول به داستان آتش در آفرینش اشاره می‌کند. قرآن کریم به خلقت آتش توسط خداوند متعال اشاره دارد (الرحمن، ۱۵): «و آتش را آفرید که دارای شعله است». آتش به عنوان یکی از چهار عنصر اساسی آفرینش (آب، خاک، هوا و آتش) در اسلام شناخته شده است که نخستین بار از آن طریق که خداوند آن را آفرید و سپس به خدمت بشر گرفت، جایگاه مهمی در آفرینش پیدا کرد.

دسته دوم مفهوم و جایگاه آتش در داستان‌های قرآنی است همچون داستان حضرت موسی (ع) و ظهور آتش در کوه طور (طه، ۱۰-۱۲) «موسی در کوه طور آتشی را مشاهده کرد و از آن به نزد قوم خود آمد تا پیام خداوند را برساند»؛ و داستان حضرت ابراهیم (ع) و نجات او از آتش (انبیاء، ۶۸-۶۹): «ابراهیم توسط قومش به آتش انداخته شد اما خداوند او را نجات داد و آتش بر او سرد و سلامت شد»؛ و اما دسته سوم آتش در نمادگرایی اسلامی است: آتش نماد جهنم و عذاب اخروی برای گناهکاران است (بقره، ۲۴).

دسته چهارم مربوط است به آموزه‌های اخلاقی و رفتاری مرتبط با آتش و اهمیت دقت و مراقبت در استفاده از آتش (بقره، ۱۹۵): «و به دست خود به هلاکت نیندازید». نکوهش غضب و خشم که در قرآن به آتش تشبیه شده است (آل عمران، ۱۳۳): «از آتش دوری کنید که پروردگارتان آن را برای کافران آماده کرده است»؛ و ارزش مثبت آتش در تجهیز و گرمابخشی به انسان‌ها در زندگی.

به طور خلاصه، قرآن کریم و اسلام به آتش به عنوان یکی از عناصر مهم آفرینش خداوند نگاه کرده و آن را در ابعاد مختلف نمادین، اخلاقی، مذهبی و کاربردی مورد توجه قرار داده است. آتش در اندیشه اسلامی دارای جایگاه ویژه و چندبُعدی است. در دوره اسلامی جایگاه آتش نیز از نظر عرفانی جایگاه خاصی بود. به خصوص از لحاظ معنا و مفهوم مدنظر عرفا قرار گرفت. شعله مظهر شوروشوق مذهبی و به ویژه یک قلب شعله‌ور است. شعله تجسم نوع دوستی و نماد نزول روح القدس^{۲۴} نیز هست. همچنین نقاط اشتراک کاملاً مشخص بین شعله و نور وجود دارد.

نماد شعله یا آتش برگرد سر انبیای اولیاء و افراد پاک، می‌تواند نمادی از شعله‌ورگشتن عشق الهی و نمایان گشتن این عشق و ایمان در چهره و سیمای این افراد باشد. به قول نووالیس شعله شمع و زبانه آتش نماد اتصال به لاهوت و ملکوت است. درواقع این هاله نورانی در شکل شعله و زبانه آتش، نمایانگر نزدیک بودن به پروردگار و عالم ملکوت است که جای و ایمن هرکسی نیست. (هال، ۱۳۸۰: ۱۲۳۰).

جایگاه نمادین آتش در نگارگری ایران

وسعت تصاویر و اسرار آتش بسیار زیاد است. آتش که در نگاره‌های ایرانی به وفور به کار می‌رود، شکلی از معانی مختلف عرفانی را بیان می‌کند. به همین دلیل، شمایل‌نگاری آتش تنها زمانی قابل بررسی است که عنصر آتش در ارتباط با اشکال دیگری که معانی متضاد و مشابه با این عنصر دارند در نظر گرفته شود. سنین مختلف به دقت مورد مطالعه قرار گرفتند. بدیهی است که درک نقاشان از فرم و دانش پنهان نقاشان در بستری سنتی و مرموز شکل گرفته است که بدون درک کیفیت شکل‌گیری این درک از تمامی اسرار فرم کامل نخواهد شد. تصاویر بارنگ‌های غنی و استفاده از طلا و نقره هنوز غیرقابل دسترس به نظر می‌رسند. البته ذکر این نکته ضروری است که همه نقاشان و هنرمندان ایرانی لزوماً عارف نبوده‌اند. شاید از بسیاری از معانی عرفانی در مباحث رنگ و نور غافل بوده‌اند، اما نکته قابل توجه، اصولی که مبنا و منشأ آن است. نقاشی ایرانی-اسلامی، دیدگاه دینی (با رویکردی عرفانی به جهان پیرامون بشریت) است. فلسفه کیهان‌شناسی و جهان‌بینی دینی-اسلامی، با آمیختن باورهای کهن ایران زمینی نظامی می‌یابد که فراتر از جست‌وجوی فرمالیسم در اثر هنری و معنا در خدمت فرم است. اگرچه باگذشت زمان، علت بسیاری از پایه‌های این اندیشه‌های بزرگ به فراموشی سپرده شد، اما تأثیر آن به عنوان یک سنت، در نگارگری ایرانی باقی ماند و باگذشت زمان و ظهور فرهنگی جدید، درخشش تازه‌ای یافت (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۵).

آنچه در نگاره‌های دوره اسلامی مشترک است باور و اعتقاد هنرمندان در بازتاب معنای نور الهی و نیروی ترکیبی آتش و طلای شمسی یا انرژی الهی در نگاره است؛ نور ساطع از تقدس؛ نیروی معنوی و قدرت نور؛ تقدس؛ فر؛ «دایره شکوهمند»؛ نبوغ؛ فضیلت؛ صدور قوه حیاتی موجود در سر؛ انرژی حیاتی خرد؛ نور متعالی معرفت (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۷۸). در برخی از نسخه‌های مصور قدیمی مثل «التریاق» (سده هفت ه. ق). این هاله بر دور سر همه پیکره‌های انسانی و همچنین پرنده‌ها و حیوانات به چشم می‌آید که شاید با توجه به تأثیر اندیشه‌های اسلامی مبنی بر تقدس همه موجودات و جایگاه یکسان همه آن‌ها نزد خداوند باشد؛ اما رفته‌رفته این هاله مقدس تنها سر مقدسین را احاطه کرده و نماد درخشش نور الهی از شخصیت مقدس می‌شود. شکل هاله نخست فرم دیسک مانند داشت که کم‌کم به هاله وسیع با زبانه‌های آتشین و طلایی که به سوی آسمان سرکشیده تبدیل شد که می‌تواند نمودار و نماد نسب پاک، آسمانی واله آن شخصیت باشد.

انواع ترسیم آتش در نگارگری ایرانی

برای بررسی شمایل‌های آتش در نگارگری ایرانی - اسلامی، یکی از راهکارهای ممکن، بررسی این عنصر با توجه به مفهوم و کاربردی است که مدّ نظر متن و شکل بوده است. طبق نتایج تحقیق نویسنده با بررسی بیش از ۸۰ نگاره از دوره‌های مختلف، عمده‌ترین معانی این عنصر شکلی در نگاره‌ها عبارت‌اند از:

• آتش مادی و سوزاننده

آتش به مفهوم آتش عادی که در زندگی هرروز انسان به‌کاربرده می‌شود، در متون ادبی - هنری ایرانی، قابل بررسی است. منظور از «آتش مادی» در اندیشه و سنت ایرانی، آن دسته از مفاهیم و نمادهایی است که به آتش به‌عنوان یک پدیده فیزیکی و طبیعی اشاره دارند. این مفهوم در تقابل با «آتش معنوی» قرار دارد. آتش مادی به شرح زیر قابل توضیح است:

ا. آتش مادی به آتش فیزیکی و محسوس اشاره دارد که در طبیعت و زندگی روزمره انسان‌ها وجود دارد. این آتش موجب گرما، سوختن و ایجاد نور می‌شود.
ب. در سنت ایرانی، آتش مادی نماد قدرت، انرژی و حیات است. آتش در بسیاری از کاربردهای عملی مانند گرمایش و روشنایی نقش اساسی دارد.
ج. آتش مادی همچنین نماد خورشید و آسمان است و در آیین‌های مذهبی و فرهنگی ایران مانند جشن‌های نوروزی و آتش‌افروزی‌ها به کار می‌رود.
د. این آتش به‌عنوان یکی از چهارعنصر اصلی طبیعت (آب، خاک، باد و آتش) در فرهنگ ایرانی مورد احترام و تقدیس قرار داشته است.

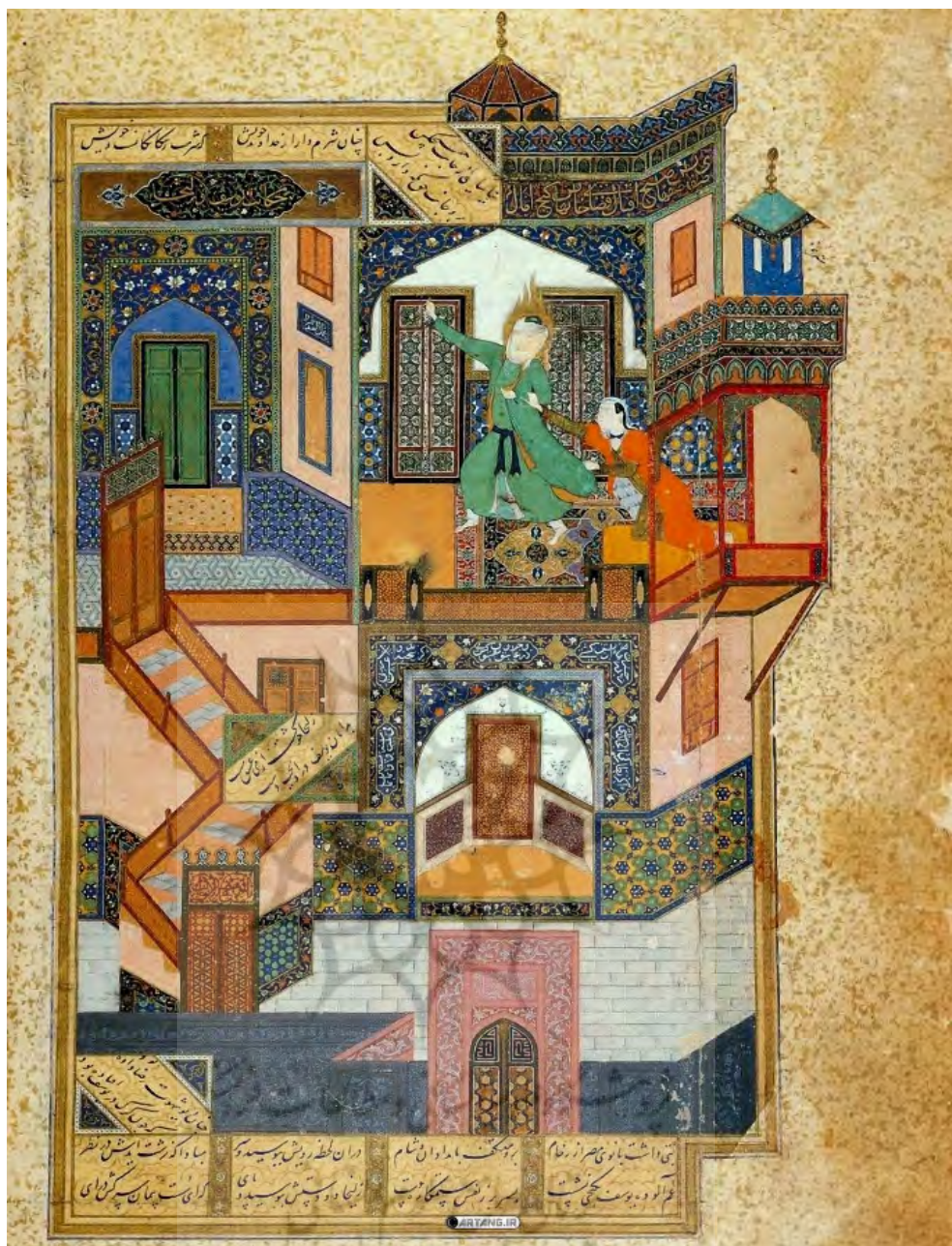
در تصاویر دربردارنده آتش با این مضمون، شمایل آتش به صورت فرم‌های شعله مانند (دارای تابدار و منحنی گون) شکل شده است. اصولاً این شعله‌ها در قسمت پایین، سنگین و ایستا و در بالا، نوک‌تیز و تند جلوه می‌کنند. در رنگ‌آمیزی این شعله‌ها، رنگ قرمز با دورگیری‌های سیاه و یا قرمز تیره از رایج‌ترین روش‌هاست. وجود رنگ قرمز در این‌گونه از آتش، بیان‌کننده خطر، سوزش گرما و حرارت است شکل (۳). وجود دود، یکی دیگر از علائمی است که برای بیان آتش مادی به کار گرفته می‌شود لیکن در هیچ‌یک از انواع آتش، عنصر دود وجود ندارد.



شکل ۳. جنگ زاغان و جعد انوار، با شرحی به زبان عربی متعلق به حوالی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ میلادی در سرزمین شام، منبع (کتابخانه ملی فرانسه).

• آتش نفسانی یا آتش درونی

همان‌طور که پیش‌ازاین نیز توضیح داده شد، آتش دربردارنده مفاهیم حسی و درونی نیز است. در این عالم علاوه بر آتش ظاهری، آتشی معنوی و پنهان که درون انسان جای دارد وجود دارد که حرارت آن به مراتب بالاتر از آتش ظاهری است و قدرت تخریب بالایی دارد. اصطلاحاتی مانند آتش عشق، آتش کینه و انتقام از این دست مضامین است. تجسمِ شکلی این‌گونه از آتش، شبیه به مورد قبلی می‌تواند با شعله‌های نورانی و یا با بهره‌گیری از رنگ آتش بر پیکره فرد باشد. زمانی که آتش، کینه مدّ نظر است، آتش سوزاننده و گدازنده نمایان می‌شود و گویی با حرکتی شتابان، برای انتقام در حرکت است و زمانی که آتش عشق قلب را می‌افروزد گرمابخش و مأمن جلوه می‌نماید. در داستان دریدن پیراهن یوسف، نفس عماره زلیخا به طور بسیار برجسته و آشکار تجلی یافته است و بر عقل و منطق او تسلط کامل دارد. در (شکل ۴) کمال‌الدین بهزاد آتش نفسانی و هوس زمینی زلیخا در برابر یوسف (ع) را با بهره‌گیری از رنگ قرمز آتشین نشان داده است. قرمز نماد آتش شهوت و شور درونی اوست که به واسطه این رنگ در جامه نمایان شده است.



شکل ۴. نگاره یوسف و زلیخا از بوستان سعدی، تجلی رنگ قرمز به عنوان بعد نمادین از آتش عشق زلیخا بر یوسف، نگارگر کمال الدین بهزاد، منبع (کتابخانه ملی قاهره).

• آتش در معنی آتش الهی و نور

شاید رایج‌ترین موارد استفاده از آتش در نگاره‌های ایرانی، به‌کارگیری آن، در مفهوم آتش الهی و نور معرفت که تنها خاص «اولیاءالله» است. از آنجاکه نگارگری ایرانی-اسلامی دنیای مثالی را به شکل می‌کشد، شخصیت‌پردازی به مفهوم رئالیستی در آن بی‌معناست و هرکس به‌عنوان انسانی کامل شکل می‌شود؛ وجود هاله نورانی آتش‌گون، یکی از مواردی است که می‌توان به کمک آن شخصیت امام و پیامبر را از دیگر کاراکترها متمایز کرد. هاله آتش وار در اطراف سر، اصولاً ایستا و روبه بالا شکل شده‌اند؛ گویی نوک آن به‌حق اشاره می‌کند. رنگ رایج، استفاده از طلایی و در مواردی زرد-طلایی است که اصولاً درگیری سفید دارد. در موارد بسیاری نیز فقط از رنگ طلایی استفاده شده است. این نور الهی که بیان‌کننده کثرت به وحدت است، دارای تنوع در شکل نیز هست؛ شعله‌های برگی، تابدار و ابرناک از رایج‌ترین فرم‌های این‌گونه از آتش است و تماماً دربردارنده نوعی آرامش و الوهیت‌اند بی‌شک در (شکل ۵) وجود این شعله‌ها در تصویر، نمادی از تأثیر معنوی و روحانی یوسف بر اطرافیان و پیروان خود است؛ بنابراین این شعله‌های آتشین بر چهره یوسف نبی، نشانگر ابعاد مختلف کمال، معرفت و مقام والای این پیامبر برگزیده در عرفان و تعالیم اسلامی است.

همچنین می‌توان وجود شعله‌های آتشین برگرد چهره معصومین (ع) را در نگارگری در برخی روایات و تفسیرهای داستان، نمادی از چند مفهوم مهم در عرفان و تعالیم اسلامی دانست از جمله: نور و جمال الهی، نماد پاکی و عصمت این پیامبران که حتی در برابر وسوسه‌های نفس‌عماره، خود را حفظ کرده‌اند و همچنین معرفت و الهام الهی این افراد که درجات بالای معرفت و الهام الهی را از خداوند دریافت کرده‌اند. بی‌شک این شعله‌های نورانی مقام معنوی رفیع و مقام والای پیامبران در نزد خداوند را نشان می‌دهند.



شکل ۵. حضرت یوسف با هاله دور سر منسوب به شیخ محمد، دوره صفوی، (منبع: کتابخانه اینترنتی موزه نیویورک).

● آتش شیطانی در موجودات افسانه‌ای

در اکثر تصاویر به جای مانده از شاهنامه، درباره حضرت سلیمان (ع) و معجزات موسی (ع) همچون نبرد نام‌آورانی چون رستم و هوشنگ به شکل از دیوان، اجنه و اژدها پرداخته شده است. در اغلب این تصاویر به‌غیر از رنگ نامتعارف بدن، دیوان از چشمان و دهان آن‌ها نیز شعله‌های آتش بیرون می‌زند. مورد قابل بررسی این است که این‌گونه از آتش، اصولاً بارنگ سرخ که هرچه به سمت کناره‌ها می‌آید، در رنگ زرد حل می‌شود. در اینجا نیز، رنگ قرمز پوشش دیو، دربردارنده توحش، شومی، نیرنگ، خطر و فرمان‌ناپذیری در موجودات ماورایی است (شکل ۶ و ۷).

بنابراین در این‌گونه از نگاره‌ها آتش دهان موجودات افسانه‌ای اغلب نماد و نشانه‌ای از قدرت، خشم و ویرانگری است. چند نکته در این زمینه قابل ذکر است که: اژدها به‌عنوان موجودات قدرتمند و شکست‌ناپذیر تصویر می‌شوند. آتش دهان آن‌ها نمادی از این قدرت و توانایی فوق‌العاده است. همچنین آتش بیرون آمده از دهان اژدها، نشانه خشم و خطری است که این موجودات برای دیگران و محیط پیرامونشان محسوب می‌شوند.

و شعله‌های آتش که از دهان اژدها زبانه می‌کشند، نمادی از توانایی این موجودات در ایجاد ویرانی و تخریب گسترده است. از دیگر سو، در برخی از موارد، آتش دهان اژدها با صفاتی مانند شرارت، خبث و شیطنت مرتبط دانسته می‌شود؛ بنابراین در اساطیر و داستان‌های اژدهایی، آتش دهان معمولاً نشانه‌ای از قدرت، خطر و بدخواهی این موجودات افسانه‌ای محسوب می‌شود.



شکل ۶. حمله اژدهای موسی به خدمتکار فرعون، نسخه‌ای از قصص الانبیای نیشابوری، دوره صفوی، (منبع: بازیل گری، ۱۳۸۵: ۲۲۸).



شکل ۷. بخشی از نگاره کشتن دیو سپاه به دست هوشنگ شاهنامه فردوسی، مکتب تبریز (۹۲۹ ه-ق).

از نظر فرمی، این گونه آتش بسیار متراکم و کم شعله است. از این قبیل سوزاننده نیست؛ بلکه صرفاً دربردارنده عنصر ترس از آتش‌اند. در اجنه به صورت ضمنی به توصیفات قرآن و روایات نیز می‌پردازند که خداوند، اجنه را از شیطان آفرید؛ بنابراین شعله نمی‌کشند. در تصاویری که ازدها در آن نمایش داده می‌شود، آتش حاوی عنصر ترس و سوزاندگی است. این گونه آتش با شعله‌هایی باریک و تیز، اطراف بدن و بال‌های ازدها را فراگرفته و دهان او نیز شعله‌ور است. فرم آتش، خطی تیز و سوزاننده است. همچنین از رنگ قرمز، برای دورگیری و نورپردازی در این تصاویر بهره گرفته شده است (شکل ۸).



شکل ۸. تبدیل شدن عصای موسی به ازدها قصص الانبیا مکتب، قزوین ۱۰۰۴ ه ق، موزه لوور، (سلطان کاشفی، ۱۳۹۱).

نماد آتش در هنر نگارگری ایران، نقشی ظریف و چندوجهی است که به شکلی پیچیده در بافت فرهنگی و مذهبی منطقه تنیده شده است. تصویر آن، اغلب لایه‌هایی از معنا را به همراه دارد و ملایه‌ای غنی برای داستان‌گویی بصری ارائه می‌کند.

نگارگری: در نسخه‌های نگارگری، از آتش برای به تصویر کشیدن روایت‌های اسطوره‌ای و رویدادهای تاریخی استفاده می‌شود. شعله‌های آتش ممکن است نماد لحظات دگرگونی، مداخله الهی یا روح پایداری مردم ایران در دوره‌های مختلف باشد.

ریشه‌های زرتشتی: نماد آتش در مرکز هنر ایرانی ریشه‌های خود را به آیین زرتشتی می‌رساند، جایی که آتش مقدس شمرده می‌شود و پاکی را تجسم می‌دهد. شعله جاویدان، یک موتیف تکرارشونده، نماد حضور الهی است و به عنوان یک نقطه کانونی در هر دو زمینه مذهبی و هنری عمل می‌کند.

ریشه‌های اسلامی: در هنر نگارگری ایرانی، نماد آتش ریشه‌های عمیق در باورهای اسلامی دارد. همانند سایر اعتقادات اسلامی، در نگارگری ایرانی نیز آتش و نور آن به عنوان نمادی از معنویت، الهام الهی و هدایت خداوند به تصویر کشیده شده است. این نماد در تصاویر مذهبی و عرفانی بسیار مشهود است. فراتر از کاربرد واقعی، آتش و نور آن در نگارگری‌ها به صورت نمادین و استعاری به کاررفته است. برای نمونه در تصاویر عرفانی، شعله‌های آتش نماد عشق الهی و سوزوگداز روحانی هستند. در برخی از صحنه‌های نگارگری، آتش به عنوان نماد روشنایی، هدایت و الهام آسمانی به کاررفته است. این برداشت ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد. همچنین شعله‌های روشن آتش بر حول سر انبیای الهی به عنوان نمادی از جهان ماوراء و عالم غیب در نگارگری‌ها ظاهر شده است که این نیز برگرفته از باورهای اسلامی است. در مجموع، نماد آتش در هنر نگارگری ایران ترکیبی از باورهای اسلامی و پیش از اسلام است که در طول تاریخ در این هنر مورد استفاده قرار گرفته است.

سمبولیسم نور: آتش در هنر ایرانی اغلب نماد نور و روشنایی است. این جنبه استعاری، نشان دهنده تعقیب دانش، بیداری معنوی و پیروزی خرد بر تاریکی است.

طبیعت چرخه‌ای: ماهیت چرخه‌ای آتش، توانایی آن در مصرف و تجدید، موضوعی تکراری است. این دوگانگی منعکس‌کننده مفاهیم فلسفی گسترده‌تری است که در فرهنگ ایرانی وجود دارد و مضامین خلقت، نابودی و تولد دوباره را بررسی می‌کند.

در اصل، نماد آتش در هنر نگارگری ایران به عنوان یک زبان بصری عمل می‌کند و ابعاد معنوی، فرهنگی و فلسفی یک تمدن با تاریخ غنی را منتقل می‌کند. تصویر پیچیده آن، بینندگان را به کاوش در پیچیدگی‌های هویت ایرانی دعوت می‌کند و ارتباطی بین امر ملموس و الهی برقرار می‌کند.

نتیجه‌گیری

آتش را می‌توان یکی از چهارعنصر پایه موجود در طبیعت شمرد. ارسطو و اکثر حکما از زمین (خاک)، هوا (باد)، آب و آتش سخن گفته‌اند. آتش دارای جایگاهی

شاخص‌تر است؛ چون سه عنصر دیگر به زمین نزدیک‌تر هستند. همچنین آتش، زنده‌ترین عنصر موجود در طبیعت است؛ زیرا در مقایسه با دیگر عناصر، فعال‌ترین و پویاترین آن‌ها محسوب می‌شود. آتش در آئین زردشت، نماینده راستی نیز می‌باشد؛ تمام دروغ را می‌سوزاند و باعث تجلی باشکوه احق می‌شود. در واقع می‌توان گفت، آتش جلوه برون‌ذاتی راستی و درستی و جلوه درون‌ذاتی خود است. وجود آتشکده‌های متعدد در ایران باستان، خبر از جایگاه رفیع آتش و تقدس آن در آموزه‌های دینی و تفکر ایرانی می‌دهد. این تقدس و گرمای داشت آتش به دوران هندواروپایی بازمی‌گردد. شکل و نماد آتش در تمامی تمدن‌ها، بیان‌کننده معانی رمزآلودی هستند که دربردارنده عقاید، سنت‌ها، کارکردهای فراطبیعت نور و آتش در فرهنگ‌های گوناگون هستند. این تصاویر بنا به ماهیت سبک‌شناسانه و کاربردی، خود اشکال متنوعی را شامل می‌شوند. پرستش آذر از رسوم و آداب بسیار قدیم ایرانیان دارای اهمیت خاصی بوده و آن را با تشریفات و مناسکی شبیه به آنچه آریایی‌ها در هند (به آن عنصر فروزان می‌گفته‌اند)، شبیه می‌دانند. در آیین و دایی خدای آتش «اگنی» نام دارد. در آداب ایرانیان، نامی از این خدا برده شده است. در دین میترا، آتش از نیرویی پاک‌کننده برخوردار است. آتش شیر که از صفات میترا می‌باشد با میترا و خورشید مرتبط می‌سازد و اینان با ارباب خورشید ارتباط می‌یابند. زرتشت به آتش جنبه اخلاقی و معنوی داد و آن را نشانه زنده‌ای از پاکی و طهارت دانست. در نظر زرتشتیان، توجه آنان به آتش دلیلی بر آتش‌پرستی نیست؛ بلکه نظیر توجه مسلمین به قبله و احترام مسیحیان به صلیب است. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، شمایل‌های آتش در نگارگری ایرانی-اسلامی عبارت‌اند از: آتش مادی و سوزاننده، آتش غیرمادی یا آتش درونی (که از عشق وافر و یا کینه و نفرت) پدید می‌آید و آتش در معنی آتش الهی و نور و آتش ماحصل از موجودات ماورایی، آتش به مفهوم آتش عادی که در زندگی هرروز انسان به‌کاربرده می‌شود در متون ادبی-هنری ایرانی، قابل بررسی است. در تصاویر دربردارنده آتش با این مضمون، شمایل آتش به صورت فرم‌های شعله‌مانند، تابدار و مارپیچ، شکل شده است. آتش دربردارنده مفاهیم حسی و درونی نیز است. اصطلاحاتی مانند آتش عشق، آتش کینه و انتقام از این دست مضامین است. تجسم شکلی این‌گونه از آتش، شبیه به مورد شماره یک است. زمانی که آتش کینه و یا عشق وافر و زمینی، مد نظر است، آتش سوزاننده و گدازنده است؛ گویی با حرکتی شتابان، برای انتقام در حرکت است و زمانی که آتش عشق، قلب را می‌افروزد، گرمابخش و مامن جلوه می‌نماید و آنگاه که در هیئت موجودات تخیلی و افسانه‌ای برآید نمادی است از قدرت مطلق ویرانگری که خساراتی در بر ندارد و بیشتر جنبه ترس آن در نگاره‌ها مطرح است. در مجموع، نگارگران ایرانی از تنوع شکل‌های بصری آتش برای ایجاد حس و معانی مختلف در آثار خود بهره برده‌اند. این تصاویر آتش، جنبه‌ی نمادین و مفهومی در بردارند.

پی‌نوشت

۱. شارل ادوارد گیوم، (به فرانسوی: Charles Édouard Guillaume) (۱۸۶۱-۱۹۳۸)، یک فیزیک‌دان سوییسی بود که در سال ۱۹۲۰ در به رسمیت شناختن خدمات او در پیشبرد فیزیک به خاطر ارائه دادن اندازه‌گیری‌های دقیق با کشف ناهنجاری‌های آلایژ نیکل - فولاد موفق به دریافت جایزه فیزیک نوبل گردید.
۲. محمد بن محمود بن احمد طوسی مسلمان ایرانی که در زمان طغرل دوم (آخرین فرمانروای سلجوقی عراق و کردستان؛ ۱۱۷۷-۱۱۹۴ میلادی) زندگی می‌کرده است.
۳. عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، با نام‌های دیگر عجایب‌نامه و جام‌گیتی‌نمای، کتابی است به زبان فارسی نوشته محمد بن محمود بن احمد طوسی (همدانی).
۴. غسل تعمید یا بپتیسیم (به انگلیسی: Baptism) یک آیین تظہیری دینی برای کسب بخشش از گناهان و زندگی دوباره است که در مذاهب گوناگونی مانند مسیحیت و آیین سیک‌ها رواج دارد و ریشه آن آیین‌های طهارت یهودی است.
۵. یحیی، مشهور به یوحنا المعمدان، فرزند زکریا، واعظ و تارک جهان یهودی سده یکم میلادی بود که مسیحیان، مسلمانان، صابئین مندایی و بهائیان به پیامبری او باورمند هستند. نام تعمیددهنده در انجیل‌های غنوصی ذکر شده است. براساس انجیل لوقا، یحیی خویشاوند عیسی بود.
۶. عناصر چهارگانه یا عناصر اساسی یا چهار آخشیح، اشاره به آب، هوا، خاک و آتش دارد.
۷. Hirosom Cardanos (۱۵۰۱ - ۱۵۷۶، رم) یک پزشک، ریاضی‌دان و ستاره‌شناس ایتالیایی بود که اولین توصیف بالینی تب تیفوس را ارائه کرد و کتاب او Ars magna (آرس مگنا) بود. هنر بزرگ؛ یا قواعد جبر) یکی از سنگ بنای تاریخ جبر است.
۸. ارسطو (۳۸۴ ق.م - ۳۲۲ ق.م) از فیلسوفان یونان باستان و یکی از مهم‌ترین فیلسوفان غربی به حساب می‌آید.
۹. ابو عبدالله احمد بن عمر بن محمد خیوقی خوارزمی کنیه ابوالجناح و ملقب به نجم‌الدین کبری و طامه‌الکبری و مشهور به شیخ ولی‌تراش از صوفیان سده ششم و هفتم قمری است.
۱۰. اهورامزدا (به اوستایی: «مَرزدا اهورَه») (و نیز با نام‌های: اهورا، اورمَرزدا، هورمَرزدا، اورمَرزدا، هورمَرز و هُرْمَز و ورمز) نام آفریدگارِ نیکویی‌ها و دادار و پروردگار همه هستی در آئین مَزَدَیَسنا است. او الوهیت و الهه آفرینش در این دین است.
۱۱. رَع یا را خدای خورشید یا آفتاب در مصر باستان است. رَع به شکل یک انسان با سر شاهین به تصویر کشیده شده است، با تاجی شبیه خورشید بر سرش که یک مار کبرا دور آن پچپیده است.
۱۲. خپری یا خیره از اسطوره‌های مصر باستان هم به معنی سرگین چرخانان نوعی سوسک و هم به معنای قائم به ذات است. او در نزد شهروندان هلیوپولیس، نمودار طلوع خورشید بود و مانند سوسک، از جوهر خویش سر بر می‌آورد و زاده خویشتن است. خپری ایزد دگرگونی‌های حیات بود و همیشه از نو زاده می‌شد.
۱۳. آتوم یا تیم از ایزدان آغازین هلیوپولیس و خورشید ایزدی پیش دودمانی در مصر باستان است.
۱۴. ریگ‌ودا مجموعه‌ای از اشعار و سرودهای مذهبی هندو به زبان سانسکریت ودایی است و یکی از چهار متن اصلی در مجموعه شونده‌های (شروتی) مقدس هندوئیسم یعنی وداه و کهن‌ترین بخش آن است که احتمالاً حدود سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد در منطقه شمال غربی شبه‌قاره هند تألیف شده است.
۱۵. آگنی یک الوهیت هندو و یکی از مهم‌ترین خدایان دوره ودایی است. آگنی به معنای آتش در زبان هندی و هم‌چنین در زبان سانسکریت است.
۱۶. همان اهورامزدا است.
۱۷. آتشکده آذَرَفَرَنبِغ یا آتشکده کاریان با ارتفاع تقریبی ۲۰ متر در مسیر کاریان، از دهستان هرم، بخش هرم، شهرستان جویم در استان فارس و در ۴۲ کیلومتری جنوب غربی جویم در نیمه راه بندر سیراف و دارابگرد قرار دارد.
۱۸. پل چینود یا چینوت (زبان اوستایی: Činvat Peretum) پل داوری درگذشتگان در عقاید زرتشتی است که آن را برابر با پل صراط در دین اسلام دانسته‌اند.
۱۹. امشاسپندان یا امشَه شَبَنته جمع امشاسپند است که امشاسفند، اموسپند و امهوسپند نیز گفته‌اند. امشاسپندان از صفات پاک اهورامزدا هستند.
۲۰. بُدَهَشَن یا بُدَهَش نام کتابی است به پهلوی که تدوین نهایی آن در سده سوم هجری قمری انجام شده است؛ ولی اصل آن در اواخر دوره ساسانی تألیف شده‌بود. نویسنده (تدوین‌کننده نهایی) آن «فَرَنبِغ»، فرزند «دادویه» نام داشت.

۲۱. کتاب مقدس یهودیان.
۲۲. کوه سینا (به عربی: طور سیناء یا جَبَل مَوْسَى)، (به انگلیسی: Mount Sinai) (به عبری: به معنی خاردان) نام کوهی در شمال شرقی مصر است. این کوه در دین‌های ابراهیمی به‌ویژه یهودیت شهرت فراوانی دارد.
۲۳. آگنی یک الوهیت هندو و یکی از مهم‌ترین خدایان دوره ودایی است. آگنی به معنای آتش در زبان هندی و همچنین در زبان سانسکریت است.
۲۴. روح‌القدس یا جان پاک واژه و مفهومی است که در ادیان ابراهیمی همانند یهودیت، مسیحیت، اسلام و همچنین در بهائیت از آن یاد شده است.
۲۵. گئورگ فیلیپ فریدرش فون هاردنبرگ (آلمانی: Georg Philipp Friedrich Freiherr von Hardenberg) با نام مستعار نووالیس (آلمانی: Novalis؛ ۱۷۷۲-۱۸۰۱) یک شاعر، فیلسوف و مهندس عمران آلمان بود.

منابع و مأخذ

- استاجی، ابراهیم و فروزان کیا، اسماعیل (۱۳۸۹). تجلی آتش در اساطیر و ادیان. همایش پژوهش‌های ادبی، باشلار، گاستون (۱۳۹۴). روانکاوی آتش. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- بختورتاش، نصرت‌اله (۱۳۹۱). نشان راز آمیز. تهران: مؤلف.
- پیراویونگ، مرضیه، عباسی، علی و نیکونژاد، محبوبه (۱۳۹۲). چندسویگی معنایی آتش در معراج‌نامه تیموری. نشریه جلوه هنر، Doi: 10.22051/jzh.2013.41 (۱۰).
- پیربایار، ژان (۱۳۹۶). رمزپردازی آتش، جلال ستاری. تهران: آفتاب. خوسفی بیرجندی، ابن حسام. ۱۳۸۱. خاوران‌نامه. ساوجی، محمد و خورشیا، صادق و فرهاد نقاش. تهران: سازمان میراث فرهنگی. دادگی. فرنیخ؛ بهار، مهرداد. ۱۳۸۵. تهران.
- دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. تهران: کلهو و دانشگاه الزهرا.
- کوپر، جی. سی (۱۳۷۹). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.
- سلطان کاشفی، جلال‌الدین (۱۳۹۱). جایگاه قدسی آب در نقش برجسته و تندیس‌های طاق‌بستان. جلوه هنر، (۸). Doi: 2014/29.jzh/10/22051
- گری، بازیل، (۱۳۸۵). نقاشی ایرانی، ترجمه عربعلی شروه، تهران: دنیای نو.
- سلمانی، طوسی (۱۳۴۵). عجایب المخلوقات/تالیف محمد بن محمود بن طوسی باهت‌تمام منوچهرستوده. نشر بنگاه، تهران.
- سعیدی، سهراب؛ پشت‌دار، محمدعلی (۱۳۹۷). بررسی عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش در شعر عنصری، نشریه اورمزد، Doi: JR_OURMAZD-11-44_001 (۴۴).
- عابد دوست، حسین (۱۳۹۳). بررسی جلوه‌های صوری و محتوایی نقاشی بقاع متبرکه و نقش آن در ترویج اعتقادات شیعی در ایران. مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی امامزادگان، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.
- عابد دوست، حسین و کاظم‌پور، زیبا (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل تضادهای دوگانه در نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران و مقایسه آن با نقاشی‌های مانوی. در دست چاپ.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی. تهران: توس.
- فخررازی، محمد بن عمر (بی‌تا). التفسیر الکبیر، ج ۲۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- میبدی، ابوالفضل (۱۳۵۷). کشف الاسرار، ج ۸، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۶۳). مزدیسنا و ادب فارسی، ج اول. تهران: دانشگاه تهران.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۹۲). کتاب‌الانسان الکامل، تصحیح و مقدمه ماریژان موله. تهران: طهوری.
- نیک‌خواه، هانیه و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۰). بازشناسی نمادهای بنیادین مؤثر در شکل‌گیری هاله تقدس. کتاب ماه هنر (۱۵۴)، ۶۳-۵۲.
- ورمازرن، مارتین (۱۳۹۰). آئین میتر، بزرگ نادرزاده. تهران: نشر چشمه.

هال، جیمز (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
 هینلز. ج (۱۳۷۱). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: کتابسرای بابل.

Examining the visual and content effects of Beqaa (Abed Dost, Hossein 2014)

Motbarakah painting and its role in promoting Shiite beliefs in Iran, collection of articles of the first International Imamzadegan Congress, Awqaf and Charitable Affairs Organization, Tehran. [In Persian]

Abed Dost, Hossein and Kazempour, Ziba. (2016). *Investigating and analyzing the double contrasts in the paintings of Bekaa Motbareke in Iran and comparing it with.*

Manichaeon paintings. Under press. Afifi Rahim (1995). *Iranian mythology and culture in Pahlavi's writings*. Tehran: Tos. [In Persian]

Bashelar, Gaston. (2014). *Psychoanalysis of fire, Jalal Sattari*. Tehran. [In Persian]

Tos Bakhturtash, Nusratoleh. (2011). *Nishan Razamez*, Tehran: Author. [In Persian]

Birjandi, Ibn Hossam. (2000). *Khavaran Namah Savji, Mohammad and Khorsha, Sadegh and Farhad Naqash*. Tehran: Cultural Heritage Organization. giving Farnbagh; Bahar, Mehrdad. Tehran. [In Persian]

Dadour, Abulqasem and Mansouri, Elham (2004). *An introduction to the myths and symbols of Iran and India in ancient times*. Tehran: Kalhor and Al-Zahra University. [In Persian]

Ghaemi, Farzad. (2010). Anthropological analysis of Farrah myth and its functions in Ferdowsi's Shahnameh and its mythology. *Literary Essays, Scientific-Research Journal*, (174), 113-147. [In Persian] Doi: 10.22067/JLS.V44I3.12652

Hall, James. (2001). *Pictorial dictionary of symbols in the art of East and West, Roghieh Behzadi*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]

Hinels. J. (1993). *Knowing the mythology of Iran, Jale Amoozgar and Ahmad Tafzali*. Tehran: Babol Library. [In Persian]

Moin, Mohammad. (1981). *Mazdasna and Persian literature, the first volume*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]

Nasfi, Azizuddin (2013). *Kitab al-Insan al-Kamal, revised and introduced by Marijan Mole*. Tehran: Tahori. [In Persian]

Nikkhah, Haniyeh and Pourmand, Hassan Ali (2010). *Recognizing the fundamental symbols effective in the formation of the aura of sanctity*. The book of the month of art. 154. 52-63. [In Persian]

Piraviong, Marzieh, Abbasi, Ali and Nikunjad, Mahbobeh. (2012). *Semantic ambiguity of fire in Timuri's Meraj Nameh. Jaloh Honar Magazine*, (10). [In Persian] Doi:10.22051/jjh.2013.41

Pirbayar, Jean. (2016). *The encryption of fire, Jalal Satari*. Tehran: Aftab. Khosfi

Saidi, Sohrab; Pushtdar, Mohammad Ali (2018), review of the four elements of water, wind, earth and fire in elemental poetry, *Ormuzd publication*, (44). [In Persian] Doi: JR_OURMAZD-11-44_001

Salmani, Tousi (1964). *Ajaib al-Makhlouqat / Compiled by Mohammad bin Mahmoud bin Tousi with the attention of Manocherstoudeh, Bangah Publishing House, Tehran. [In Persian]*

Staji, Ebrahim and Forozankia, Ismail (2010). *Manifestation of fire in mythology and religions*. Literary research conference. [In Persian]

Sultan Kashfi, Jalaluddin. (2011). The sacred place of water in the relief and sculptures of Taqobstan, *Jehlo Hanar*, (8). [In Persian] Doi: 10.22051/jjh.2014.29

Vermazern, Martin. (2010). *Ayin Mitra, Bozur Naderzadeh*. Tehran: Cheshme Publishing House. [In Persian]